

در کشور ما بعد از انقلاب اسلامی، روز سیزده آبان، «روز ملی مبارزه با استکبار» نام گرفته است. در این روز همه‌ی مردم به‌ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان، یکدل و یک‌صدا با شعارهایی مانند «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» بیزاری خود را از دولت‌های زورگو و ستمگر اعلام می‌کنند.

این تبری و اعلام بیزاری، موجب اتحاد و یکرنگی مسلمانان در جامعه می‌شود و آنها را در برابر دشمنانشان مقاوم‌تر می‌سازد.

کامل کنید



ویژگی‌های دشمنان خدا

۱- ستمگر .....

۲- .....

۳- .....

ویژگی‌های دوستان خدا

۱- .....

۲- .....

۳- اطاعت از دستورهای خدا



## بگرد و پیدا کن

جمله‌ی مربوط به هر مفهوم را مشخص کنید.

تبری

تولی

- دوستی با دوستان خدا
- راهپیمایی عظیم ۲۲ بهمن و ۱۳ آبان
- دشمنی با دشمنان خدا
- دوستی با اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله)
- حمایت از مردم ستم‌دیده‌ی فلسطین
- مبارزه با استکبار جهانی
- ساکت نماندن در برابر ظالمان
- رفتن به زیارت امام رضا (علیه السلام)

## بررسی کنید

هر آیه به کدام یک از این دو مفهوم اشاره می‌کند؟

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ  
(ای پیامبر به مؤمنان) بگو به خاطر رسالتم از شما پاداشی  
جز دوست داشتن اهل بیتم نمی‌خواهم.

سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۲۳

تولی

تبری

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ  
افراد باایمان، نباید کافران را به دوستی خود انتخاب کنند.

سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۲۸

تولی

تبری

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي

(ای پیامبر به مؤمنان) بگو

«اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید.»

سوره آل عمران، آیه ۳۱

تولی

تبری

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ

مؤمنان برادر یکدیگرند.

سوره حُجرات، آیه ۱۰

تولی

تبری

### ایستگاه فکر

امام حسین (علیه السلام) چه ویژگی‌هایی داشتند؟

یزید چه ویژگی‌هایی داشت؟

چرا امام حسین (علیه السلام) فرمودند: «هرگز کسی مثل من با کسی مثل یزید بیعت نمی‌کند».

### گفت و گو کنید

چه ارتباطی میان «تولی و تبری» و «امر به معروف و نهی از منکر» وجود دارد؟

### تحقیق کنید

● چه حادثه‌ای موجب شد روز ۱۳ آبان را روز «دانش‌آموز» بنامند؟ این حادثه با موضوع

درس چه ارتباطی دارد؟

### با خانواده

● در کدام یک از مراسم اسلامی به موضوع «تبری» بسیار اهمیت داده شده است؟

## سپای خوبان

### درس ششم

سالها آرزو داشت بتواند در مزرعه‌ی امام کاظم (علیه‌السلام) مشغول به کار شود. او می‌دانست که آن حضرت درآمد کشاورزی خود را در اختیار فقیران قرار می‌دهد.

هنگام نهار، سفره‌ی بزرگی پهن شده بود و همه‌ی کارگران دور آن نشسته بودند؛ اما کسی دست به غذا نمی‌برد. گویا منتظر کسی بودند. چند لحظه‌ای گذشت که امام با لبخندی بر چهره و با گفتن سلام وارد شد و در گوشه‌ای از سفره نشست. باورش نمی‌شد! آیا امام با کارگران خود بر سر یک سفره می‌نشیند؟ امام نام خدا را بر زبان آورد و همگی مشغول خوردن غذا شدند. بعد از پایان غذا، امام خدا را شکر گفت و سپس رو به کارگران کرد و فرمود: «اگر ممکن است کمی بنشینید، مشکلی پیش آمده است که می‌خواهم در مورد آن با شما مشورت کنم.» او رو به سوی امام کرد و گفت: «آیا شما با این علم و مقام می‌خواهید با ما که کارگران شما هستیم مشورت کنید؟»



امام کاظم (علیه السلام) با مهربانی نگاهی به او کرد و فرمود: «شاید خدا به ذهن شما چیزی بیاورد که راه حلّ این مشکل باشد».

این رفتار، عشق و علاقه‌ی او را به امام بیشتر کرد و تازه فهمید که چرا خداوند ایشان را امام و پیشوای مسلمانان قرار داده است.



فکر می‌کنید امامان (علیهم السلام) چه ویژگی‌هایی داشتند که خداوند ایشان را پیشوای ما قرار داده است؟

### اهل بیت در قرآن

قرآن، کتاب هدایت و راهنمایی مردم است و بهترین راه هدایت، معرفّی الگوهای برتر و انسان‌های نمونه است. در یکی از آیات قرآن می‌خوانیم:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

همانا خدا اراده کرده است که همه‌ی پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها را از شما اهل بیت دور سازد و شما را پاک و مطهر گرداند.

سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۳

اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) پاک‌ترین انسان‌ها هستند. آنها با رفتار نیک و دوری از کارهای زشت و ناپسند، پاک شده‌اند و می‌توانند الگوی مسلمانان باشند.

ایشان در برخورد با مردم، بسیار مهربان و خوش اخلاق بودند. خطای دیگران را به راحتی می‌بخشیدند و آنان را سرزنش نمی‌کردند. با هیچ‌کس مغرورانه سخن نمی‌گفتند و کسی را با القاب زشت و ناپسند صدا نمی‌زدند. اگر کسی نزد آنان به غیبت دیگران زبان می‌گشود، جلوی او را می‌گرفتند. با شوخی‌های سالم و مفید، دیگران را شاد می‌کردند و می‌فرمودند هر کسی مؤمنی را شاد کند، خدا را خشنود کرده است؛ اما به بهانه‌ی شوخی، کسی را مسخره نمی‌کردند.

به فکر دوستان و یاران خود بودند؛ اگر مسافر بودند، دعای ایشان بدرقه‌ی راهشان بود و اگر بیمار بودند به عیادت آنان می‌رفتند و با سخنان دلگرم‌کننده به آنان امیدواری می‌دادند. ایشان همچنین دانشمندترین و باایمان‌ترین مردم زمان خود بودند، از هرگونه خطا و اشتباه به دور بودند و مردم را با آگاهی کامل از دستور دین، هدایت و راهنمایی می‌کردند. با ظالمان و ستمگران زمان خود مبارزه می‌نمودند و همگی در این راه تا پای جان ایستادگی می‌کردند.



اینها تنها گوشه‌ای از رفتارهای پسندیده و صفات نیک پیشوایان دینی ما است. همین ویژگی‌ها باعث شد خداوند آنان را پیشوای مسلمانان قرار دهد.

## بدانیم

«امامت»، یکی دیگر از اصول دینی ما مسلمانان است. ما معتقدیم که خداوند، جانشینان پس از حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را نیز تعیین، و از طریق پیامبر به مردم معرفی نموده است. ایشان که دوازده نفر هستند با عنوان «امام» شناخته می‌شوند. امام کسی است که به فرمان الهی و با آگاهی کامل از آموزه‌های دین، بعد از پیامبر، رهبری جامعه اسلامی را برعهده می‌گیرد. همه‌ی مسلمانان ایشان را به عنوان امام و رهبر خود پذیرفته‌اند و از دستور ایشان اطاعت می‌کنند.

پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بارها جانشینان و پیشوایان بعد از خود را به مردم معرفی کرده است. در حدیثی از ایشان می‌خوانیم: «جانشین بعد از من، علی و بعد از او دو نوه‌ام، حسن و حسین هستند؛ سپس نه نفر از فرزندان حسین به ترتیب، وصی و جانشین ایشان هستند. آخرین آنها مهدی است که از دید مردم غایب می‌شود».

هر یک از امامان قبل از شهادت، امام بعد از خود را به مردم معرفی می‌کرد تا مردم در تشخیص امام و رهبر خود دچار تردید یا گمراهی نگردند و او چراغ هدایت همه‌ی مردم و پرچمدار مبارزه با ظلم حاکمان باشد.

## گفت و گو کنید

با کمک دوستان نام دیگری برای درس بیابید. علت انتخاب شما چیست؟

هر یک از این تصویرها با کدام یک از ویژگی‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) ارتباط دارد؟



تدبّر کنیم

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا<sup>۱</sup>  
هر کس ما را دوست دارد،  
پس شبیه ما عمل می‌کند.

با توجه به معنای این حدیث در موارد زیر بهترین برخورد چیست؟  
— کسی شما را مسخره می‌کند یا به شما ناسزا می‌گوید. شما از خیلی ناراحت و عصبانی هستید و تصمیم می‌گیرید...

— در بازی، دوستان ناخواسته به شما برخورد می‌کند. روی زمین می‌افتید و پایتان زخمی می‌شود. به سرعت بلند می‌شوید، به طرف او می‌روید و ...

— یکی از صمیمی‌ترین دوستانتان در حضور شما از دیگران بدگویی می‌کند؛ شما....

### کامل کنید

نام امامان عزیزمان را به ترتیب بنویسید و جاهای خالی را پر کنید.

آنچه درباره‌ی ایشان می‌دانیم

امامان عزیز ما ...

.....		امام اول: .....
.....		امام دوم: .....
.....		امام سوم: .....
.....		امام چهارم: .....
.....		امام پنجم: .....
.....		امام ششم: .....
.....		امام هفتم: .....
.....		امام هشتم: .....
.....		امام نهم: .....
.....		امام دهم: .....
.....		امام یازدهم: .....
.....		امام دوازدهم: .....



## بررسی کنید

به نظر شما، ما چه وظایفی نسبت به امامان مهربانان داریم؟  
سعی کنیم با زندگی و سخنان ایشان....  
در برگزاری مراسم جشن میلاد یا مراسم عزاداری شهادت ایشان....  
در صورت امکان، زیارت....  
در زندگی.....

## ایستگاه خلاقیت

به کمک دوستانتان در گروه، دو حدیث از اهل بیت (علیهم السلام) انتخاب کنید. آنها را با خط خوش بنویسید. تزیین، و سپس در کلاس نصب کنید.

## تحقیق کنید

داستان‌هایی از زندگی امامان (علیهم السلام) را از کتاب «داستان راستان» نوشته‌ی دانشمند شهید مرتضی مطهری، انتخاب کنید و در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

## نیایش

### خداوندا!

مرا به راه امامان معصوم هدایت کن  
به راه آنان که، چه توانگر بودند و چه تنگدست.  
همواره بخشنده بودند.

ای بهترین هدایت‌کننده! تو که امامان را از هر ناپاکی، پاک گردانیدی، محبت آنان را  
در دل من قرار بده و آنان را از من راضی گردان

خداوندا!

لگم کن در راه رضای آنان که رضای توست، بگو شوم.

آمین!

برگرفته از کتاب «خدای من»، نوشته‌ی فریبا کلهر

# دست در دست دوست



غروب حیرت‌انگیزی است.  
آسمان حالت دیگری دارد.  
پرنندگان هرکدام راهی لانه‌ی خود شده‌اند.  
روشنایی روز کم‌کم در حال بی‌رمق شدن است.  
انگار اتفاق عجیبی در راه است.  
شب شگفتی است.  
حس دیگری دارم.  
سوار بر اسب به سمت حرم سیدالشهدا (علیه‌السلام)، پیش می‌روم.  
تنهایی،  
تاریکی،  
سکوت،  
نسیم خنکی در حال وزیدن است.  
حال دیگری دارم.  
گویا کسی مرا به خود می‌خواند.



مگر چه اتفاق مهمی پیش روست؟  
صدای باد، همدم من در آن فضای تاریک است.  
اما من، آرام و بی صدا در دل ذکر می گویم.  
الله اکبر، الله اکبر ...  
الحمد لله، الحمد لله ...  
سبحان الله، سبحان الله ...  
از فاصله‌ای نه چندان دور، صدایی توجّه مرا به خود جلب می کند.  
گوش خود را به باد می سپارم.  
گویی صدای پای کسی است.  
آرام آرام نزدیک می شود.  
نزدیک و نزدیک تر،  
باوقار، سنگین و نرم،  
دیگر فاصله‌ای نمانده است، چهره اش را به خوبی می بینم.  
مردی شگفت، بلندبالا، خوش سیما و دوست داشتنی،  
از دیدن چهره‌ی زیبا و روحانی او و همچنین لبخند شیرینش، آرامشی در من ایجاد شده  
است.  
مانده‌ام چه بگویم، واژه‌ها تاب عظمت او را ندارند.  
سلام می کند و مرا به نام صدا می زند و می پرسد: «در این شب جمعه به کجا می روی، ای شیخ  
حسن حلی؟»



خدایا، او کیست؟  
نام مرا از کجا می‌داند؟  
در این وقت شب با من چه کار دارد؟  
شکوه و عظمتش مانع می‌شود که نامش را بپرسم.  
می‌گویم: «برای زیارت به حرم آقا و مولایم امام حسین (علیه‌السلام) می‌روم».  
چیزی نمی‌گوید؛ اما چهره و نگاهش بیان‌کننده‌ی رضایت قلبی او از این کار است.  
سکوتی معنادار حکمفرما شده است.  
در کنار یکدیگر به سمت حرم حرکت می‌کنیم.  
به دقت، حرکات و رفتارش را نظاره می‌کنم.  
حالم دگرگون است.  
نمی‌دانم چه بگویم و چگونه بر این حالت خود مسلط شوم.  
سخنانی کوتاه بین من و او رد و بدل می‌شود.  
چقدر دوست دارم این گفت‌وگو ادامه پیدا کند.  
سؤالاتی چند از آن بزرگوار می‌پرسم.  
با کمال حیرت، سؤالات را یک به یک و به آسانی هرچه تمام‌تر پاسخ می‌گوید. احساس می‌کنم با مرد فاضل و دانشمندی روبه‌رو هستم؛ لذا فرصت را غنیمت می‌شمرم و سؤالات دیگری که ذهنم را به خود مشغول کرده و تا آن زمان برای آنها جواب مناسبی نیافته‌ام، می‌پرسم.  
پرسش‌ها و پاسخ‌های روشن در پی هم تا اینکه مسئله‌ای می‌پرسم و او پاسخی می‌دهد. به نظرم سند سخن را در کتاب و روایتی ندیده‌ام.  
با مهربانی به من می‌فرماید: «هنگامی که به منزل بازگشتی فلان کتاب را باز کن، فلان صفحه و فلان سطر آن را بخوان».  
ناگهان به خود می‌آیم و با خود می‌گویم، شاید این شخص که در کنارم می‌آید و چنین مطلع و آگاه است، مولای عزیزم امام زمان (عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ) باشد. برای اینکه واقعیت برایم معلوم شود، می‌پرسم: «آیا من می‌توانم حضرت صاحب‌الزمان (عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ) را ببینم یا نه؟»  
در همین حال کمی به من نزدیک‌تر می‌شود و دستش را در دستم می‌گذارد و این جمله‌ی به‌یادماندنی را بر زبان می‌آورد که:  
«چگونه صاحب‌الزمان (عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ) را نمی‌توان دید و حال اینکه دست او در دست توست؟»  
با شنیدن این سخن بی‌اختیار از شدت شوق از حال می‌روم و بیهوش می‌شوم.

وقتی به هوش می آیم با حیرت و شگفتی به اطراف می نگریم تا شاید روی زیبای او را دوباره ببینیم. مات و حیران مانده ام، دستی به سر و صورتم می کشم و دقیق تر به دور و بر خود نگاه می کنم؛ اما کسی را نمی بینم. افسوس که او رفته است. باران اشک امانم نمی دهد. لحظه ای چهره ی زیبای او را فراموش نمی کنم. .... اینک من مانده ام و حسرت دیدار دوباره.

### کامل کنید

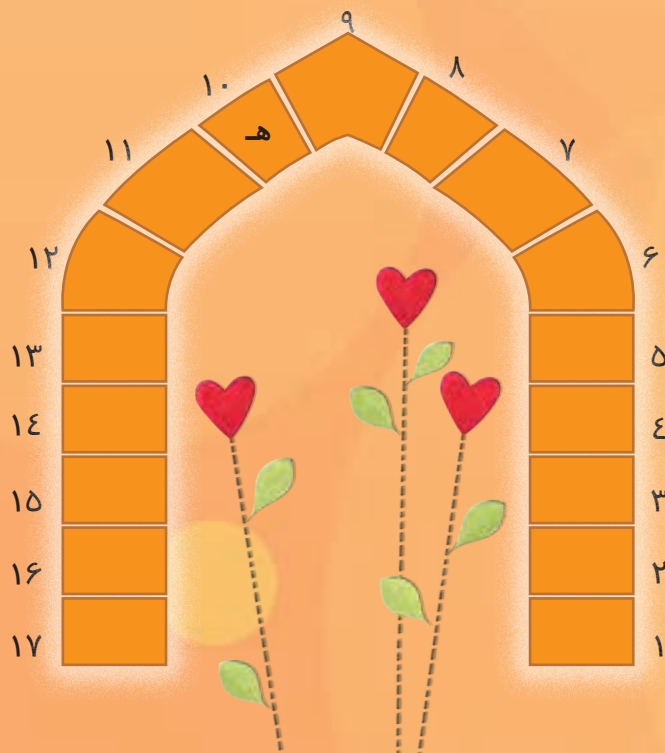
پاسخ سؤالات زیر را به ترتیب اعداد جدول بنویسید؛ سپس حروف را به ترتیب، کنار هم بگذارید و بخوانید. جمله ی به دست آمده، یکی از سخنان امام زمان (علیه السلام) است. ۱- اگر جایی آب نداشتیم برای نماز خواندن به جای وضو آن را انجام می دهیم. (۱۶-۱۷-۵-۱۲)

- ۲- شهر امام رضا (علیه السلام) است. (۷-۱۴-۱۱-۱)  
 ۳- با گرفتن آن، نماز آیات واجب می شود. (۸-۱۳-۹)  
 ۴- تعداد امامان بعد از امام حسین (علیه السلام) (۴-۲)  
 ۵- حیوانی که با نام ذوالجناح می شناسیم. (۳-۱۵-۶)

امام زمان (علیه السلام) می فرماید:

«.....»

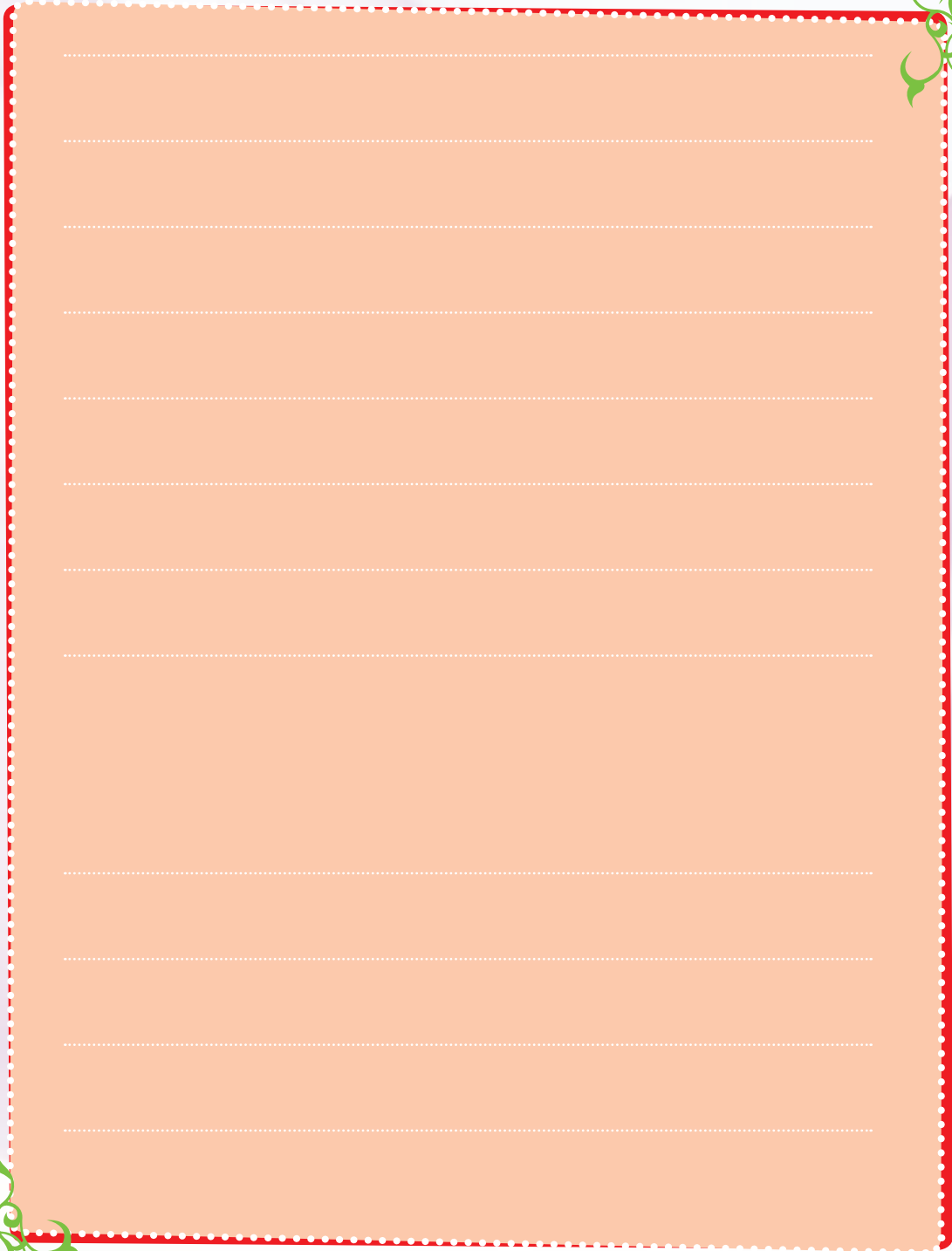
به نظر شما این جمله با موضوع درس چه ارتباطی دارد؟



نامه‌ای به دوست

نامه‌ای به امام زمان (عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ) بنویسید و هر چه می‌خواهید به او بگویید و

هر چه دوست دارید از او بخواهید.



### عهد با دوست

سال گذشته در درس «خورشید پشت ابر»، عهدهایی با امام زمان (عَجَلُ اللهُ فَرَجَهُ) بستید. آیا عهدهای خود را به خاطر می‌آورید؟ فکر می‌کنید چقدر در انجام دادن آنها موفق بوده‌اید؟ اگر امسال بخواهید عهد خود را با امام زمان (عَجَلُ اللهُ فَرَجَهُ) تجدید کنید، چه عهدهایی با او می‌بندید؟

عهد می‌بندم که امروز .....

.....

تلاش می‌کنم تا .....

.....

### گفت و گو کنید

فکر کنید و با مشورت دوستانتان بگویید ما چگونه می‌توانیم از توجّه امام زمان (عَجَلُ اللهُ فَرَجَهُ) و دعا‌های ایشان بهره‌مند شویم؟

### تحقیق کنید

در مورد زندگی علامه حلّی تحقیق کنید و بگویید او چه ویژگی‌هایی داشت که به دیدار امام زمان (عَجَلُ اللهُ فَرَجَهُ) موفق شد؟

# دوران غیبت



چه روزگار سختی!

خلیفه‌ی عباسی به تمام جاسوسان و مأموران دستور داده بود تا همه جا را زیر نظر بگیرند و هر جا امام مهدی (علیه السلام) را دیدند، دستگیر کنند و به دربار بیاورند. جاسوسی، تعقیب، دستگیری، زندان، آزار و اذیت و به شهادت رساندن؛ اینها عادت و روش همیشگی خلفای عباسی در برابر امامان معصوم (علیهم السلام) بود. به‌ویژه از زمان امام کاظم (علیه السلام) به بعد که با شدت بیشتری این روش دنبال می‌شد. با همه‌ی این ستم‌ها باز به نتیجه نرسیده بودند و درخت سربلند امامت روز به روز بالنده‌تر و ثمربخش‌تر می‌شد و سایه‌ی گسترده‌اش سرپناهی امن برای اهل ایمان بود. دشمنان خدا پیش از این، قبل از تولد امام مهدی (علیه السلام) می‌خواستند از ولادت ایشان جلوگیری کنند ولی به لطف خدا نقشه‌ی آنها نقش بر آب شد. در دوران کودکی نیز نتوانستند به ایشان دسترسی پیدا کنند. بعد از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام)، امام مهدی (علیه السلام) امام و پیشوای مردم شد و خلیفه که از این رویداد بسیار ناراحت و پریشان شده بود، تمام نیروهای خویش را به کار گرفت تا هر چه سریع‌تر امام مهدی (علیه السلام) را دستگیر کند. امام مهدی (علیه السلام) به فرمان خداوند از دید مردم پنهان شد تا کسی نتواند به ایشان دسترسی پیدا کند. از این زمان، «دوران غیبت» ایشان شروع شد. این غیبت کوتاه مدت یا غیبت صغری نامیده می‌شود که ۶۹ سال طول کشید. در این دوران، امام مهدی (علیه السلام) برای ارتباط با مردم، افراد خاصی را انتخاب کردند تا جانشین ایشان بین مردم باشند. جانشینان امام، که تعدادشان چهار نفر بود در طول این ۶۹ سال، یکی پس از دیگری به نوبت جانشین امام مهدی (علیه السلام) شدند. آنها انسان‌هایی بسیار دانا، با ایمان و مورد اعتماد امام بودند و وظایف بسیار مهمی به عهده داشتند. آنها با گروه‌های مختلف مردم ارتباط برقرار می‌کردند. از مشکلات فردی و اجتماعی و نیز پرسش‌های مختلفی که مردم درباره‌ی احکام و معارف دینی می‌کردند، آگاه می‌شدند.



سپس آنها را به اطلاع امام مهدی (علیه السلام) می‌رساندند و توصیه‌هایی را که امام برای رفع مشکلات می‌کردند و پاسخ‌هایی را که در جواب پرسش‌ها داده بودند به گوش مردم می‌رساندند.

بعد از این چهار نفر، امام مهدی (علیه السلام)، فرد خاصی را به عنوان جانشین معرفی نکردند. از آن زمان به بعد، دوران غیبت بلند مدت امام یعنی غیبت کبری فرا رسید که تا همین امروز ادامه دارد.

یک پرسش:

در این دوران، که امام مهدی (علیه السلام) جانشین خاصی را به مردم معرفی نکردند، چه کسی به پرسش‌های دینی مردم پاسخ می‌دهد؟ جامعه‌ی اسلامی را چه کسی باید مدیریت کند؟

اگرچه امام مهدی (علیه السلام) در دوره‌ی غیبت کبری، فرد یا افراد خاصی را به‌عنوان جانشین خود معرفی نکردند به مردم سفارش کردند که در این دوران به عالمان و فقیهان پرهیزکاری مراجعه کنند که با احکام و معارف دینی آشنایی کامل دارند.

این عالمان پرهیزکار در زمان حاضر، مراجع تقلید دینی هستند که به‌عنوان جانشینان امام زمان (علیه السلام) شناخته می‌شوند. ما برای آگاهی از احکام دین باید به آنها مراجعه، و از دستورهای آنان پیروی کنیم. البته رهبری جامعه‌ی اسلامی بر عهده‌ی یکی از ایشان است که به‌عنوان ولی فقیه شناخته می‌شود. ولی فقیه با آگاهی کامل از دستورهای دینی و اوضاع سیاسی و اجتماعی به اداره‌ی جامعه می‌پردازد.

یکی از این جانشینان در روزگار ما، امام خمینی (ره) بود. مردم ایران به رهبری این عالم و مرجع بزرگ دینی توانستند حکومت ضدّ مردمی و ضدّ دینی شاه را سرنگون کنند و جمهوری اسلامی را به وجود آورند. آنان چون امام خمینی (ره) را جانشین امام زمان (علیه السلام) می‌دانستند از او پیروی می‌کردند.

## گفت و گو کنید

اگر برای شناخت وظایف دینی به مراجع تقلید مراجعه نکنیم، چه مشکلاتی برای ما پیش می‌آید؟

## بررسی کنید

این جمله از امام خمینی (ره) را بخوانید.

این سخن امام خمینی (ره) با موضوع درس چه ارتباطی دارد؟





این تصویر به کدام قسمت از درس ارتباط دارد؟



## همان دیگر

### درس نهم

آیا می‌دانید هر یک از ما انسان‌ها چه مراحل را در زندگی خود پشت سر می‌گذاریم؟ این مرحله‌ها تا چه زمانی ادامه پیدا می‌کند؟ اولین مرحله‌ی زندگی، مرحله‌ی نه ماهه‌ای است که در شکم مادر به سر می‌بریم. وقتی رشد ما کامل شد به دنیا می‌آییم و مرحله‌ی جدیدی را آغاز می‌کنیم؛ این مرحله‌ی جدید، دوران کودکی است. رفته رفته قدرت و نیروی ما افزایش می‌یابد و یاد می‌گیریم که چه طور کارهایمان را خودمان انجام دهیم و به این ترتیب به دوره‌ی نوجوانی پا



می‌گذاریم. پس از دوره‌ی نوجوانی، نوبت به جوانی می‌رسد. این دوره، زمان کار و تلاش جدی است و در آن به آینده بیشتر فکر می‌کنیم. بعد از جوانی، نوبت به بزرگسالی، پیری و کهنسالی می‌رسد.

به طور طبیعی، هر کدام از ما این دوره‌ها را طی می‌کنیم و سپس زندگی ما در این دنیا به پایان می‌رسد.

آیا زندگی ما با مرگ پایان می‌یابد؟ پس از مرگ، وارد چه دوره‌ای از زندگی می‌شویم؟



### زندگی برتر

قرآن کریم به این پرسش پاسخ می‌دهد و می‌گوید مرگ پایان زندگی نیست و پس از مرگ به جهان جدیدی پا می‌گذاریم که خیلی بزرگ‌تر و شگفت‌انگیزتر از این جهان است. زندگی اصلی ما در آن جهان خواهد بود.

زندگی دنیا، محدود است و روزی به پایان می‌رسد؛ اما زندگی در جهان آخرت، دائمی و همیشگی است. مردم در این دنیا فرصت دارند تا آخرت خود را آباد کنند. کسانی که ایمان بیاورند و کارهای نیک انجام دهند برای همیشه در بهشت خواهند بود و کافران و مجرمان به آتش جهنم گرفتار خواهند شد.



در زمان پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) یکی از کافران، استخوان پوسیده‌ای را نزد پیامبر خدا آورد. آن‌گاه استخوان را با دستان خود نرم و خرد کرد و به پیامبر گفت: «ای محمد! آیا پس از اینکه مُردیم و به مُشتی استخوان تبدیل شدیم، دوباره زنده می‌شویم؟» خدا در قرآن، این ماجرا را آورده، و به سخن آن مرد چنین پاسخ گفته است:

قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ؛ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ  
او گفت چه کسی استخوان‌های پوسیده را زنده می‌کند؟ بگو همان  
کسی که آنها را در آغاز آفریده است.

سوره‌ی یس، آیات ۷۸ و ۷۹



آری! کسانی که نسبت به قیامت شک دارند، قدرت خدا را خیلی کم می‌شمارند. تعجب آنان این است که خدا چگونه می‌تواند مرده‌ها را دوباره زنده کند و جان تازه‌ای به آنها ببخشد. خدا در پاسخ این افراد نیز می‌فرماید:

أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءِ بَنَاهَا  
آیا آفرینش دوباره‌ی شما (در قیامت)، دشوارتر است یا آفریدن آسمان که  
خدا آن را ایجاد کرده است؟

سوره‌ی نازعات، آیه‌ی ۲۷

### بدانیم

اعتقاد به معاد و جهان آخرت، یکی دیگر از اصول دینی ما مسلمانان است. ما معتقدیم که زندگی انسان با مرگ پایان نمی‌پذیرد و بعد از مرگ به جهان جدیدی پا می‌گذاریم. در آن جهان به حساب رفتار ما در این دنیا رسیدگی می‌شود. نیکوکاران در بهشت جای می‌گیرند و از نعمت‌های همیشگی پروردگار بهره‌مند می‌گردند.

### برایم بگو

مهندس برای ساختن خانه، ابتدا باید نقشه‌ای طراحی کند و سپس براساس آن با تهیه‌ی مواد و مصالح، خانه را بسازد. اگر ساختمان خراب شود و آن مهندس بخواهد دوباره آن را مثل شکل قبلی بسازد، ساختن اولیه سخت‌تر است یا دوباره ساختن آن؟

همخوانی  
کنیم

بوته‌ای که می‌میرد  
بار و دانه‌ای دارد  
باز دانه را دستی  
توی خاک می‌کارد

مرک بوته هرگز نیست  
عمر بوته را پایان  
مثل آن، پس از مردن  
زنده می‌شود انسان

\*\*\*

زندگی اگر این بود  
پست بود و پهلو  
زندگانی ما بود  
قصه‌ای غم‌آلوده

مثل بوته بعد از مرگ  
رشد دیگری داریم  
در بهار رستاخیز  
عمر بهتری داریم

بوته‌ی بدی، حتماً  
میوه‌ی بدی دارد  
خوش به حال آن کس که  
بذر خوب می‌کارد

مصطفی رحماندوست

## بین و بگو

با توجه به سخن

إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّبِيعَ فَآكْثِرُوا ذِكْرَ النَّشُورِ  
هرگاه بهار را دیدید، بسیار از قیامت یاد کنید.

درباره‌ی تصاویر زیر گفت‌وگو کنید.



## ایستگاه فکر

از آنچه در سال‌های گذشته خوانده‌اید، آیا داستانی درباره‌ی زنده شدن مردگان در این دنیا به خاطر می‌آورید؟ از آن چه درسی می‌گیرید؟

## بررسی کنید

خدا در سوره‌ی حمد با چه نامی از قیامت یاد کرده است؟

## تدبّر کنیم

این آیات را به همراه ترجمه‌ی آن در کلاس بخوانید و درباره‌ی پیام‌های آنها با دوستانتان گفت‌وگو کنید.

وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى

و زندگی آخرت، بهتر و پایدارتر است.

سوره‌ی اعلیٰ، آیه‌ی ۱۷

الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ، إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ  
امروز هرکس در برابر کاری که انجام داده است، پاداش داده می‌شود.  
امروز هیچ ظلمی نیست؛ خداوند سریع به حساب همگان می‌رسد.

سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۱۷



زندگی آخرت از زندگی دنیا برتر است؛ زیرا:

۱- .....

۲- .....

۳- .....

### گفت و گو کنید

دانش آموزی که به خدا و جهان آخرت ایمان دارد در برخورد با هم کلاسی‌های خود چگونه رفتار می‌کند؟

نیایش

### خدای من!

مورچه را چنان آفریدی که برای روزی خود می‌کوشد دانه را به لانه می‌برد و در مکانی مطمئن انبار می‌کند.

### خدای من!

به مورچه آموختی که در تابستان برای زمستان خود آذوقه فراهم کند؛  
مرا نیز یاری کن تا از هم‌اکنون به فکر آخرت خویش باشم و توشه‌ای برای آن روز فراهم سازم.

برگرفته از کتاب «یاد شیرین دوست»، نوشته‌ی ناصر نادری

## من معتقدم

حضرت عبدالعظیم حسنی، مردی دانشمند و باایمان و از نوادگان امام حسن مجتبی (علیه السلام) بوده است. ایرانی‌ها به او شاه عبدالعظیم می‌گویند و مرقد<sup>۱</sup> او در شهرری<sup>۲</sup> زیارتگاه مؤمنان است. عبدالعظیم از شاگردان و یاران حضرت امام جواد و حضرت امام هادی (علیهم السلام) بوده است و ماجرای گفت‌وگوی وی با امام هادی (علیه السلام) درباره‌ی اعتقادات دینی شنیدنی است.

این ماجرا را از زبان خود او بشنویم.

«روزی خدمت حضرت امام هادی (علیه السلام) رسیدم و عرض کردم:

ای فرزند رسول خدا، من می‌خواهم اعتقادات دینی خود را در برابر شما به زبان بیاورم تا ببینم آیا پسندیده است ... و یا باید آن را اصلاح کنم.

امام اجازه دادند که من اعتقاداتم را یکی یکی بگویم.

گفتم من اعتقاد دارم که خدای بزرگ، یکی است و مثل و مانندی ندارد.

او پروردگار و صاحب همه‌ی موجودات است.

معتقدم که حضرت محمد (صلی الله علیه و اله)

بنده و فرستاده‌ی خدا و آخرین پیامبر اوست

و دین آن حضرت، یعنی اسلام، آخرین دین

است.

۱- آرامگاه، قبر

۲- ری: شهری تاریخی در جنوب تهران کنونی

من اعتقاد دارم امیرمؤمنان علی (علیه السلام) جانشین پیامبر خدا و ولی مسلمانان است و بعد از ایشان، حضرت امام حسن (علیه السلام) و پس از ایشان، حضرت امام حسین (علیه السلام) و فرزندان او، امامان و راهنمایان مردم هستند؛ سپس نام فرزندان امام حسین (علیه السلام) یعنی امام سجاد، امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا (علیهم السلام) را یکی یکی بردم و گفتم: و پس از امام رضا (علیه السلام) پدر گرامی شما امام محمد تقی (علیه السلام) امام و سرور ما مسلمانان هستند و بعد از این بزرگواران، شما پیشوای ما هستید.

در این هنگام امام هادی (علیه السلام) به من فرمود:

«و بعد از من، حسن، پسر من است و پس از او، مهدی است؛

امامی که با قیام خود زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.»

من نیز گفتم:

«من به امامت حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) و فرزند آن حضرت نیز ایمان دارم

و می گویم دوستی این بزرگواران، دوستی با خداست و نافرمانی آنها دشمنی با اوست.

و ادامه دادم: «من اعتقاد دارم که روز قیامت همه ی ما دوباره زنده می شویم و به زندگی

جاوید خود ادامه می دهیم و می گویم که واجبات دینی بعد از ولایت<sup>۱</sup>، نماز است و زکات و روزه

و حج و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر.»

آن گاه حضرت هادی (علیه السلام) به من فرمود:

«به خدا سوگند، دین خدا این است. بر همین اعتقاد ثابت بمان.»

## کامل کنید

### من معتقدم

..... یعنی	توحید
..... یعنی	نبوت
..... یعنی	امامت
..... یعنی	معاد

۱- «ولایت» یعنی اطاعت کامل از خدا و رسول و امامان معصوم (علیهم السلام) و دوست داشتن آنها.

# آداب زندگی

## درس دهم

با هر کس روبه‌رو می‌شد، از بزرگ و کوچک، در سلام کردن بر آنها پیشی می‌گرفت. همیشه لبخند بر لب داشت، اما بلند نمی‌خندید. در کنار مردم می‌نشست و برای خود جای مخصوصی نداشت. خوش‌رو و خوش اخلاق بود و می‌فرمود:

«خداوند کسی را که با ترش‌رویی با دیگران دیدار کند، دوست ندارد».

هر که با او سخن می‌گفت به سخنانش گوش می‌داد تا سخنش پایان یابد. نزد ایشان همه به نوبت سخن می‌گفتند.

هرگاه مهمانی برای وی می‌آمد به احترام او از جا برمی‌خاست و چند قدمی به استقبالش می‌رفت.



آنچه خواندیم، گوشه‌ای از آدابی بود که پیامبر در ارتباط با دیگران رعایت می‌کرد. چه خوب است که ما نیز سعی کنیم به پیروی از پیامبرمان در گفتار و رفتار خود با دیگران به خوبی عمل کنیم.

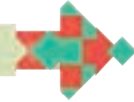
به رفتارهایی که ما هنگام روبه‌رو شدن با دیگران و برای رعایت ادب در برابر آنها انجام می‌دهیم، آداب معاشرت می‌گویند. رعایت این آداب، نشان‌دهنده‌ی احترامی است که ما به دیگران می‌گذاریم.

درباره‌ی آداب معاشرت با دیگران، دستورهای زیادی در قرآن کریم هست. این دستورها هم درباره‌ی گفتار پسندیده و هم درباره‌ی رفتار پسندیده است. عمل کردن به این دستورهای ارزشمند، مهربانی و صمیمیت را افزایش می‌دهد.





## تدبّر کنیم



آیات ده تا دوازده سوره‌ی حجرات را بخوانید و ترجمه‌ی آنها را کامل کنید.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ: مؤمنان .....

فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ: پس میان برادرانتان اصلاح کنید.

وَاتَّقُوا اللَّهَ: و تقوا را پیشه کنید.

لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۱۰: تا مورد لطف و رحمت او قرار گیرید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا: .....

لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ: گروهی ( از شما ) گروه دیگری را .....

عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ آخِرًا مِنْهُمْ: چه بسا آنها از اینها بهتر باشند.

وَلَا نِسَاءً مِنْ نِسَاءٍ: و .....

عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ: چه بسا آنها بهتر از اینها باشند.

وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ: .....

وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِقَابِ: .....

بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ: بسیار بد است که بر کسی بعد از ایمان، نام کفر آمیز

بگذارند.

وَمَنْ لَمْ يَتُبْ: و آنها که توبه نکنند،

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۱۱: ظالم و ستمگر هستند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا: .....

اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ: از .....

إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ: چرا که برخی از گمان‌ها گناه است.

وَلَا تَجَسَّسُوا: و هرگز در کار دیگران .....

وَلَا يَغْتَابَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا: و .....

أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا: آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادر

مردده‌اش را بخورد؟

فَكَرِهْتُمُوهُ: حتماً شما چنین کاری را ناپسند می‌شمارید.

وَاتَّقُوا اللَّهَ: پس تقوای الهی پیشه کنید.

إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ۱۲: قطعاً خدا توبه‌پذیر و مهربان است.

